زیبایی
در جمعی نشسته ام. صحبت از قاسمی است. تعریف و تعریف و تعریف و تعریف. چیزی نمی گویم. فقط سرم را تکان می دهم چنان که دیگران مطمئن باشند که کاملا موافقم. اما همزمان با خود می گویم چرا همش این جوری تعریف می کنند خیلی جورای دیگه هم میشه تعریف کرد. تا این که یکی با قدرت می گوید: این شخص را ارتقاء دهید همین الان!!
سراپا گوش می شوم و با خود می گویم غلیان احساس از چه بابت، این شخص را ارتقاء دهید همین الان؟! صحبت ها تمام می شود و همه دنبال کار خود می روند و آن حرف احساساتی هم پانوشتی به یادماندنی می شود.
چند ماه گذشته و در جمع دیگری نشسته ام. قاسمی در مکالمه ای است با ملکی که از قضا درست در طرف راستش نشسته. مکالمه را نصفه نیمه گوش می دهم. تا این که قاسمی چیزی می گوید و ملکی از ته دل می خندد. سراپا گوش می شوم و خودم را با این فکر غافلگیر می کنم: این شخص را ارتقاء دهید همین الان!
افشین